

Bathhouses and Thermae in the Iranian world; From the beginning to the end of the Sassanids era

Sorena Firouzi*, **Seyed Rasoul Mousavi Haji****

Muhammad Amin Saadat Mehr***

Abstract

In the contemporary view, washing culture is considered as one of the components of the evaluation of ancient cultures, and therefore, research on it is a necessity. The root of the subject, which is, the need to clear up, is the first step in examining the subject matter. Next, study on when and where the structures associated with bathing, originated, and how they emerged elsewhere, provides the basis for research. Then, the reason of founding thermae and the culture of washing with warm water are studied and their archaeological evidences are evaluated. In this paper, although according to an important principle in Zoroastrianism, the possibility of establishing and disseminating the culture of bathing in Greco-Roman thermae was not possible during the domination of this religion, but it does not mean that Iranians were far from the culture of cleanliness and for this, some, interesting documents are available. This can be proven even in special places for swimming. In fact, the varieties of Iranian and non-Iranian cultures in the Iranian plateau, does not allowed to judge one-sided in this field. The current article shows that in Zoroastrian culture, in addition to a method of creating a reasonable space to facilitate bathing

* PhD student of Historical Archaeology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author), Sorena.firouzi@gmail.com

** Professor of Archaeology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran, r.mousavijhi@umz.ac.ir

*** PhD student of Historical Archaeology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran, Ma.sadaatmehr@gmail.com

Date received: 10 /01/ 2022, Date of acceptance: 16 /05/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

with cold water, a type of *thermae* emerged that was different from the Roman ones. It was also stated that the culture of washing can be traced in the mythology of ancient Iran, and this can be the basis for some field-comparative studies in Archaeomythology.

Keywords: *Thermae*, Baths, Zoroastrianism, Archaeomythology, the Iranian Plateau

حمام‌خانه و گرمابه در جهان ایرانی؛ از آغاز تا پایان کار ساسانیان

سورنا فیروزی*

سید رسول موسوی حاجی**، محمدامین سعادت مهر***

چکیده

فرهنگ شست‌وشو نزد نگاه معاصر، یکی از مولفه‌های ارزیابی فرهنگ‌های کهن برشمرده می‌شود و از این رو، تحقیق درباره آن، یک ضرورت است. این‌که ریشه مساله، یعنی درک نیاز به پاک ساختن تن بر چه مبنایی بوده، نخستین گام واریسی موضوع مورد بحث است. در ادامه، پرداختن به این‌که سازه‌های مشخص و مرتبط با استحمام از چه زمانی و در کجا پیدایی یافت و چگونه این مساله در جاهای دیگر ظهور کرد، مسیر پژوهشی را بنیاد می‌نهد. سپس چگونگی رو آوردن به گرمابه و فرهنگ شست‌وشو با آب گرم، بررسی و نمونه‌های تاریخی و باستان‌شناختی آن‌ها ارزیابی می‌شود. در این پژوهش دیده شد گرچه طبق اصلی مهم در آیین زرتشتی و در دوران چیرگی این دین، امکان برپایی و نشر فرهنگ استحمام در گرمابه‌هایی به سبک یونانی-رومی ممکن نبوده است، اما این مساله به مفهوم دور بودن ایرانیان از فرهنگ پاکیزگی نبوده و در این باره، شاهدهای جالب توجهی در اختیار است. این مساله حتی درباره وجود مکان‌های اختصاصی برای شنا نیز قابل اثبات است. در حقیقت، تنوع فرهنگ‌های ایرانی و انیرانی رایج در فلات ایران، دروازه هرگونه نتیجه‌گیری یک‌سویه در این زمینه را مسدود می‌کند. مقاله پیش رو نشان می‌دهد که در فرهنگ

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوره تاریخی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)

Sorena.firouzi@gmail.com

** استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، r.mousavijji@umz.ac.ir

*** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوره تاریخی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، .

Ma.sadaatmehr@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۶



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

زرتشتی، در کنار وجود شیوه‌ای از فضاسازی جهت تسهیل استحمام با آب سرد، نوعی از گرمابه نیز پدید آمد که با ساختار رومی متفاوت بود. هم‌چنین بیان شد که در محتوای اساطیر ایران باستان نیز ارزشمندی فرهنگ شست‌وشو قابل پیگیری است و این می‌تواند بنیادی بر واری‌های میدانی-تطبیقی آن در گستره باستان‌شناسی اساطیر باشد.

کلیدواژه‌ها: گرمابه، حمام، آیین زرتشتی، باستان‌شناسی اساطیر، فلات ایران

۱. مقدمه

بررسی سطح توجه به موضوع بهداشت و به طور کلی درک آن در جوامع باستانی و در مناطق مهم تاریخ بشر، به ویژه در فرهنگ‌های مرتبط با هزاره سوم پیش از میلاد به بعد، یکی از رویکردهای مطالعاتی در باستان‌شناسی فرهنگی است. این مناطق پر اهمیت از این قرار هستند: دره سند، آسیای میانه، فلات ایران، میان‌رودان، قفقاز، آسیای کوچک، کنعان، مصر، یونان و قبرس و حدود خاستگاه مردمان اتروسکی و لاتینی در ایتالیا. این که چرا و چگونه بشر به این فهم دست یافت که او نیاز به رعایت نظافت پیکر خود دارد، یک مقوله و این که چگونه آن را به مفاهیم مذهبی کهن خود پیوند داد، موضوعی ثانویه و جالب توجه است. گرچه به صورت علمی، برجسته شدن اهمیت شستن دست به‌منظور پیشگیری از بیمار شدن، برای نخستین بار از سوی «ایگناتس زملوایس» (Ignaz Semmelweis) اتریشی و «اولیور وندل هولمز» (Oliver Wendell Holmes) آمریکایی و در قرن نوزدهم مطرح شد (WHO Guidelines, 2009, part 4)، اما بی‌آن که درک یا فهم پررنگی از ارتباط این عمل با ناخوش نشدن وجود داشته باشد، انجام آن به ویژه با مواد شوینده قدیمی مثل صابون، قدمتی بسیار کهن‌تر از این تاریخ داشته (Jumaa, 2005: 3-14; Rotter, 1999: 1339-1355) که ریشه آن، در پیوند با یک حس یا نیاز برآمده از قوه بصری بوده است. در این زمینه، مقالات رفتارشناسی تکاملی خوبی نوشته شده و در یک نمونه این گونه آورده شده است که یکی از علل پیدایی نیاز به «رفتار بهداشت دست»، رویت آلودگی و در نتیجه، حس ناخوشایند برگرفته از آن (مثل چسبندگی، زبری و ...) بوده است (Whitby, 2006: 484-492). رفته‌رفته چنین تجربیات استدراکی فردی، به تجربیات گروهی تبدیل و این مساله، منتج به نهادینه شدن اصل پاکیزگی و نیاز به شست‌وشو (دست‌کم شستن دست) در فرهنگ یک جمعیت یا یک منطقه شد. برای مثال، مساله «آهیسَم» (Ahimsa؛ به مفهوم بنیان‌آسیب نرساندن به

دیگری) و «دی» (daya؛ به معنای پاسداری از آسایش دیگری) در فرهنگ هندویسم که یکی از راه‌های دست‌یابی به آن‌ها، شستن دست است، از هم‌خوانی‌های ادراکی برخاسته از تجربه کهن بشری و در رابطه با اهمیت انجام این عمل شناخته می‌شود، البته در هندویسم، این شست‌وشو نه با صابون ساخته‌شده از چربی جانور، بلکه نخست با مالیدن خاکستر یا گل و سپس زدودن آن با آب صورت می‌گیرد (Hoque, 1991: 61-64).

بر مبنای توضیحات آورده شده، این مقاله در پی واریسی سیر تحول‌پیدایی فرهنگ استحمام، به ویژه شست‌وشو در گرمابه و در پی آن، تحلیل چند و چونی مظاهر این فرهنگ در میان جمعیت‌های فلات ایرانی و ایران از عصر مفرغ تا روزگار پیش از سقوط ساسانیان است. دو پرسش مبتنی بر این واکاوی چنین هستند: ۱- آیا شواهد باستان‌شناختی و محتوای منابع مکتوب تاریخی، از تاثیر و نقش‌آفرینی فرهنگ یا فرهنگ‌های مردمان فلات ایران در شکل‌گیری حمام و استحمام از عصر مفرغ تا روزگار ساسانی، اطلاعاتی نشان می‌دهند؟ ۲- آیا ساختار گرمابه‌های روزگار دوره اسلامی، ریشه‌ای در ایران باستان داشته است و یا خیر؟

روش تحقیق: در این پژوهش، سررشته کار بر مبنای تحلیل گاه‌نگارانه داده‌های منابع مکتوب و مدارک غیرنوشتاری و میدانی مرتبط با بقایای معماری نهاده شده است. این که این روند تحلیلی خط-زمانی، به روشنی می‌تواند تاثیرپذیری‌های فرهنگی را از نخستین خاستگاه مستند به نقاط دیگر نشان دهد، شیوه‌ای رایج و شناخته شده در مطالعات تاریخ‌پژوهی و باستان‌شناختی بر شمرده می‌شود.

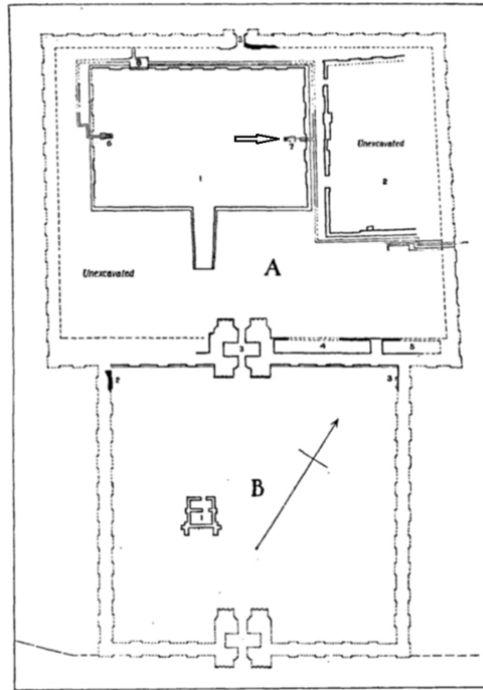
پیشینه پژوهش: روی هم رفته درباره دو مقوله «انتقال و زهکشی آب» و «حمام» و به ویژه برای حوزه‌های فرهنگی غیر ایرانی، پژوهش‌های گسترده‌ای انجام گرفته است. درباره جهان فرهنگی ایرانی نیز مقالاتی نوشته شده‌اند که بیشترشان به صورت مطالعات موردی و محدود بوده‌اند. مقالات یادشده، عمدتاً مرتبط با حمام‌های روزگار تاریخ ایران پس از اسلام نوشته شده و در نتیجه، محتوای چندانی از ریشه‌های این مساله در روزگار باستانی ایران به چشم نمی‌خورد. از میان برجسته‌ترین نوشته‌های مرتبط با مقوله تاریخچه حمام، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مزداپور (۱۳۷۵)؛ Hilprecht (1904)؛ Schafer (1956)؛ Fagan (2001)؛ Bunson (2002)؛ Shaw (2012)؛ Baird (2011)؛ Koloski-Ostrow (2011)؛ Singh (2008)؛ Sarianidi (2002)؛ Khan (2021) و Redon (2017)؛ Antoniu (2016)؛ De Feo (2014)؛

۲. نخستین تاسیسات آبی و آبراهه‌ها

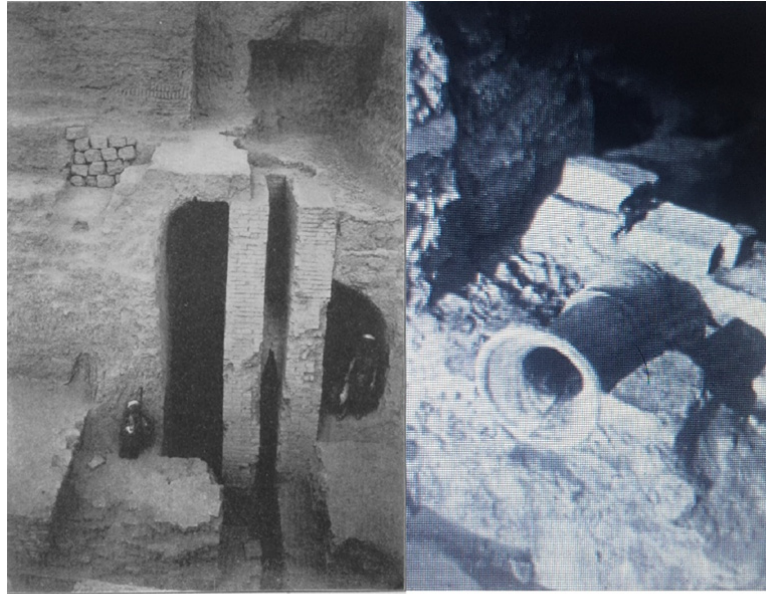
نخست لازم است تا یک روند جامع از پیدایی و تکامل دست‌ساخت‌های بشر در زمینه تامین و هدایت آب را بیان و نکات مهم آن را تحلیل کنیم تا به درک بهتری از موضوع دست یافت.

در یکی از کهن‌ترین پیشینه‌های مرتبط با تلاش بشر برای ایجاد تاسیسات آبرسانی به میان‌رودان و دو نیایشگاه برمی‌گردد؛ یکی نیایشگاه خدای «بعل» (Bēl/ Bēl) در شهر «نیپور» (Nippur) (تصویر ۱ و تصویر ۲) و دومی معبدی دیگر برای این خدا در «اِشنون» (Eshnunna) (تصویر ۲). هر دو سازه، دارای کهن‌ترین نمونه‌های موجود از مجاری هدایت آب بوده‌اند (Hilprecht, 1904: 38, 40; De Feo, 2014: 3938; Burke, 2017). شمار اندکی از توالت‌های گودالی نیز در این حدود جغرافیایی و مرتبط با هزاره چهارم به دست آمده است که درون آن‌ها، محفظه‌ای استوانه‌ای به قرن ۱ متر قرار داشتند (Wald, 2016: 457).



تصویر ۱: پلان نیایشگاه خدای بعل در شهر نیشپور و موقعیت آب‌راه آن به صورت یک پیکان در مرکز بالای پلان (Hilprecht, 1904: 38, Fig. 29)

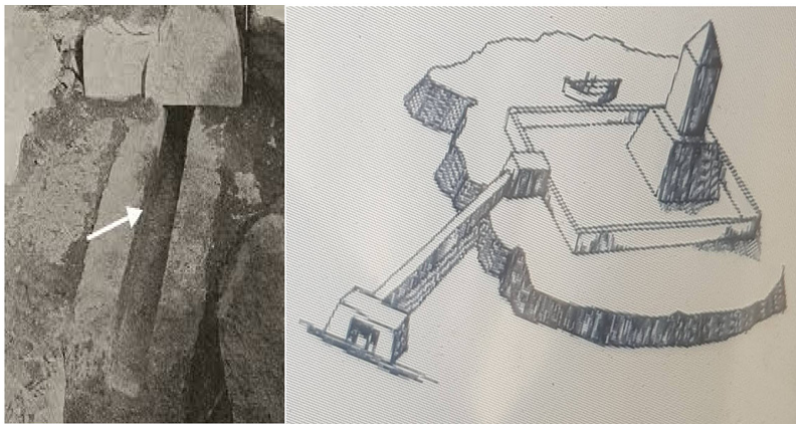
از اسکاتلند نیز نمونه‌ای از زهکشی و مرتبط با اواخر هزاره سوم پیش از میلاد به دست آمده است (De Feo, 2014: 3938- 3939). از مناطق مرتبط با فرهنگ دره سند که در ادامه گسترده‌تر صحبت خواهیم کرد، نمونه‌ای چون وجود یک سامانه پیچیده انتقال آب در محوطه «دِهلواریا» (Dholavira)، واقع در جزیره‌ای به نام «کادیر» (Kadir) در گجرات هند و زهکشی‌های موجود در آن، فناوری مرتبط با مقوله آب نزد ساکنان محوطه‌های این فرهنگ را نشان می‌دهد (Singh, 2008: 154-155) در مهرگاره و موهونجودارو نیز چنین ساختارهایی یافت شده‌اند (Antoniou, 2016: 2; Kenoyer, 1998). در چغامیش ایران (تصویر ۲)، اوگاریت، ماری و ادب نیز نمونه‌هایی از آب‌راه‌های لوله‌کشی شده به دست آمده است (Antoniou, 2016: 3-8).



تصویر ۲: آبراهه نیایشگاه خدای بعل در اشنون (بالا، راست) (Antoniou, 2016: 4, Fig. 1.b)؛ آبراهه نیایشگاه همین خدا در نیپور (بالا، چپ) (Hilprecht, 1904: 40, Fig. 31)؛ لوله‌هایی از جنس گل پخته‌شده (هزاره چهارم) در چغامیش (پایین) (Antoniou, 2016: 4, Fig. 1.a)

حمام‌خانه و گرمابه در جهان ایرانی ... (سورنا فیروزی و دیگران) ۲۰۳

در مصر، از دوره سلطنت قدیم و در کوهواره (هرم) فرعون «ساحوره» (Sahure)، یک سری آب‌راهه از جنس مس یافت شده است که به آن‌ها، «روان پرنور ساحوره» می‌گفتند و هنوز قابل مشاهده هستند. این آب‌راهه‌ها که سرباز بوده‌اند، همراه با ناودان‌هایی با سری به شکل شیر ساخته شده بودند. حوضچه‌های کنار هم قرار گرفته مسین، به لوله‌های زیرزمینی یادشده، متصل می‌شدند (تصویر ۳) و ساختار زهکشی حدوداً ۴۴۰۰ تا ۴۵۰۰ ساله مصری در این سازه را پدید می‌آوردند (Bunson, 2002: 6; De Feo, 2014: 3942).



تصویر ۳. طرح محوطه کوهواره ساحوره (راست)؛ تصویری از آب‌راهه این محوطه (چپ) (Bunson, 2002: 6)

از محوطه گنورتپه در آسیای میانه نیز که مرتبط با عصر مفرغ منطقه است، تاسیسات گسترده و جالب توجهی از انتقال آب با لوله‌های سفالین (تصویر ۴) به دست آمده است (سیدسجادی، ۱۳۹۵: ۵۲۸؛ Sarianidi, 2002: 77-78). ساریانیدی، کاربرد این تاسیسات را که در محوطه حیاط کاخ قرار گرفته‌اند، انتقال آب باران از بام کاخ به بیرون بارو دانسته است (Sarianidi, 2002: 78).



تصویر ۴: آبراهه سفالین کاخ گنورتپه (Sarianidi, 2002: 78, Fig. 4)

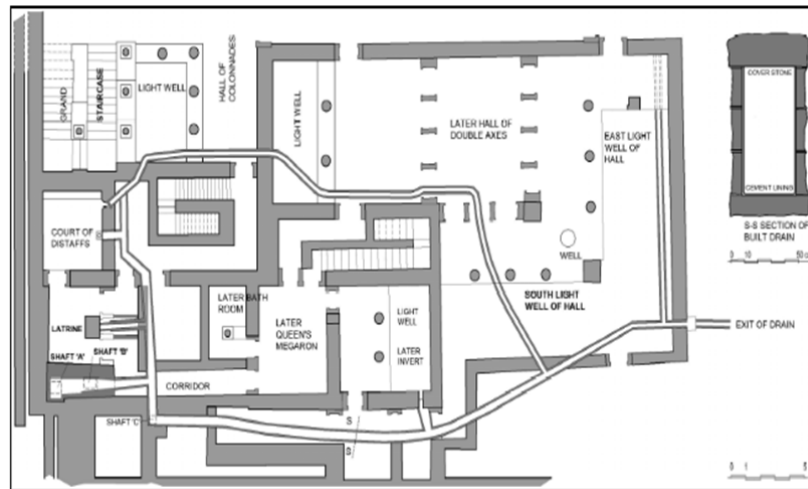
در رابطه کهنترین نمونه‌های سیستم هدایت آب در گستره امروزی ایران، می‌توان به سه مورد برجسته سامانه ورود آب رود به سکونتگاه و خروج فاضلاب خانه‌های بزرگ به بیرون از محوطه و از طریق تن‌پوشه‌های سفالی در شهر سوخته، در عصر مفرغ جنوب شرق (طاهری، ۱۳۹۸: ۳۹۷)، سازه و تاسیسات آبی محوطه زیگورات چغازنبیل در خوزستان (بنگرید به حیدری، ۱۳۹۳) و هم‌چنین وجود آبراهه‌هایی جهت هدایت آب به خارج از مجموعه تخت‌جمشید (تصویر ۵) در جنوب فلات ایران (بنگرید به اندرودی، ۱۳۹۹) اشاره کرد که پیش از برنامه‌های بزرگ و مرتبط روزگار ساسانیان انجام گرفته بودند.

حمام‌خانه و گرمابه در جهان ایرانی ... (سورنا فیروزی و دیگران) ۲۰۵



تصویر ۵: نقشه آب‌راه‌های مجموعه تخت‌جمشید (سمت راست) (اندرودی، ۱۳۹۹: ۴۱)

سیستم‌های انتقال آب و فاضلاب در جزیره کرت (تصویر ۶) و با قدمت پیرامون ۲۰۰۰ پ.م (De Feo, 2014: 3939) و به ویژه در کاخی در کنوسوس (نیمه اول هزاره دوم پیش از میلاد) نیز به دست آمده و همچنین توالی با قابلیت شسته شدن با یک سامانه آبی و دارای یک صندلی چوبی نیز از همین حوزه فرهنگی کشف شده است (De Feo, 2014: 3939). از آن جا هدف اصلی این مقاله، نه سیستم‌های لوله‌کشی بلکه پرداختن به مساله استحمام و حمام است، به این موضوع پایان می‌دهیم و وارد مقوله اصلی می‌شویم.



تصویر ۶: سیستم هدایت آب و فاضلاب در کاخ کنوسوس (De Feo, 2014: 3940, Fig. 1)

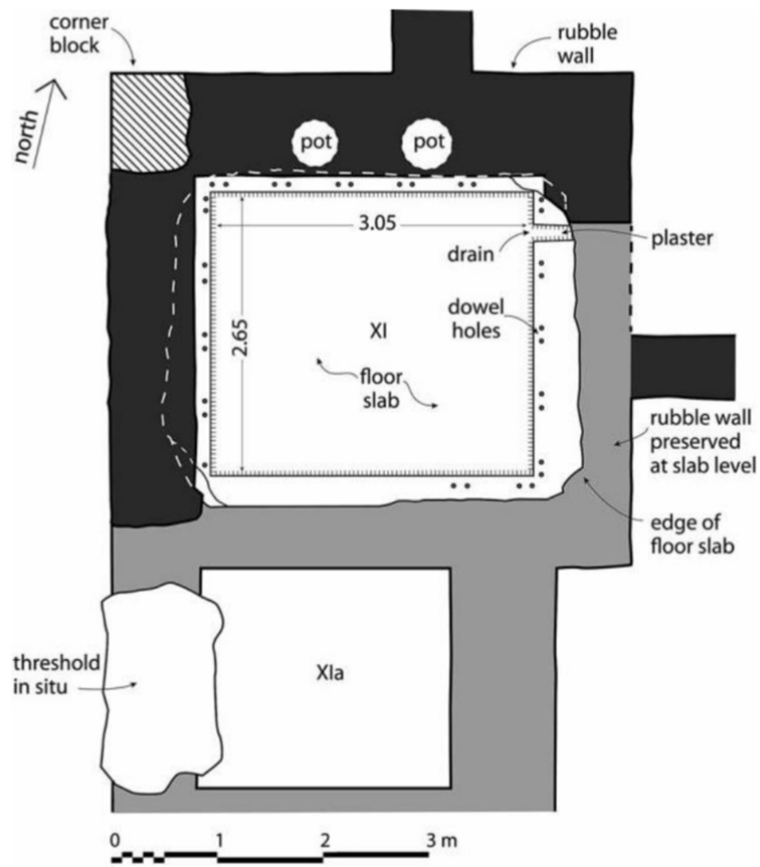
۳. فرهنگ مینوآن و حوضچه‌های سنگی

زمانی که تیگلات-پیلسر یکم (۱۰۷۶-۱۱۱۴ پ.م)، در بند ۳۰ از ستون دوم نبشته خود با شناسه «A.0.87.1»، با افتخار یکی از غنائم خود از سرزمین «کتموخو» (Katmuḫu) یا کماژن را ۵ حوضچه (وان) (nà-ma-ak) مفرغین نوشت (Grayson, 1991: 15). برخورداری از چنین چیزی یک داشته ارزشمند به شمار می‌آمد، زیرا که این غنمیت در هر سرزمین و نزد هر شاه و بزرگ‌زاده‌ای یافت نمی‌شد.

سابقه این گونه حوضچه-لگن‌ها، به کاخ «تیرینس» (Tiryns) در شهر «کنوسوس» (Knossos)، واقع در جزیره کرت بازمی‌گردد. «اتاق XI» (تصویر ۷) از میان مجموعه فضاهای کاخ یادشده که به حمام کاخ شهرت دارد، یک چهاردیواری کوچک و واقع در سوی غربی عمارت بود. این اتاق از یک طرف (سمت جنوب) به اتاق کوچکتری به نام «اتاق Xia» (احتمالاً جامه‌افکن حمام) راه و از طریق این فضا، به بیرون دسترسی داشت. از سوی شرقی نیز، حمام به دیوار «فضای X» محدود و دارای پنجره‌ای رو به آن بود و آب‌راهه حمام از زیر این فضا و دو فضای جدای دیگر به بیرون هدایت می‌شد. ابعاد

حمام‌خانه و گرمابه در جهان ایرانی ... (سورنا فیروزی و دیگران) ۲۰۷

اتاق حمام، ۳/۰۵ متر در ۲/۶۵ متر و دارای تخته‌سنگی کمابیش مربعی (حدوداً نیم متر در نیم متر) است که بقایای محل استحمام و یا حوضچه-لگن استحمام بوده است (تصویر ۸). این اتاق در گذشته نیمکت چوبی داشته است. با وجود آن‌که حوضچه حمام کاخ تیرینس از دست رفته است، اما از اتاق ۴۳ در کاخ دیگری به نام کاخ «پیلوس» (Pylos) (قرن ۱۸ پ.م)، حوضچه‌ای خشتی برجای مانده که نخستین نمونه از وان حمام از منظر باستان‌شناختی برشمره می‌شود. اندازه این حوضچه، ۰.۷۵ متر بلندی و ۰.۸۵ متر پهنا در لبه‌های بالایی آن گزارش شده است (تصویر ۸). درون آن می‌توانسته، هر نوعی مایعی چون روغن، آب و غیره ریخته شده باشد، ولی کاربری آن، استحمام بوده است (Shaw, 2012: 556-563; Britannica, *thermae*). دو اصطلاح «ke-ni-qa» به معنای و «a-sa-mi-to» به مفهوم «حوضچه شستن دست» که برجای مانده از نگارش مخطوط B فرهنگ مینوآن هستند، احتمالاً در پیوند با چنین اشیایی بوده‌اند (Reece, 2002, 705). «اسوالد سمرنی» (Oswald John Louis Szemerényi)، زبان‌شناس مجاری، ریشه این واژه و یونانی آن (ἀσάμιθος) را واژه اکدی «namsû» به مفهوم ظرف یا وان (حوضچه) و نیز «Nemsētu» به معنای لگن شست‌وشو دانسته و این گونه ریشه آن شی را به جهان میان‌رودانی-کنعانی رسانده است (Ibid.).



تصویر ۷: پلان اتاق استحمام XI در کاخ تیرنس (Shaw, 2012: 557, Fig. 4)



تصویر ۸: سنگ محل حوضچه اتاق استحمام XI در کاخ تیرینس (راست). (Shaw, 2012: 557, Fig. 4); حوضچه شست‌وشوی یافته شده از اتاق ۴۳ کاخ پیلوس (چپ) (Shaw, 2012: 563, Fig. 12)

۴. تاریخچه فرهنگ و تاسیسات استحمام

۱.۴ دره سند

پیش از ورود به مبحث حمام و گرمابه در حوزه فرهنگ ایرانی، لازم است تا نخست درکی از تاریخچه آن داشته باشیم. محوطه «موهنجودارو» (Mohenjodaro) واقع در ۵ کیلومتری رود سند با گستردگی نزدیک به دویست هکتار، کانون یکی از گهواره‌های تمدن بشری به شمار می‌آید. این محوطه که در اوج خود، جمعیتی بالغ بر بیش از چهل هزار تن را در خود جای می‌داده است، متعلق به ربع سوم از هزاره سوم پیش از میلاد بوده، دربردارنده بقای انباشته شده از ارگی است که در سوی غربی آن قرار داشته است. در سوی شمال محوطه، حمام یا خزینه بزرگی (تصویر ۹) به طول ۱۴.۵ متر و پهنای ۷ متر کشف شده است. ژرفای این خزینه در بیشترین حالت خود، ۲.۴ متر گزارش شده است. دو ردیف پلکان از سمت شمال و جنوب به درون خزینه کشیده شده‌اند. یک لایه قیر طبیعی نیز در زیر کف این سازه یافت شده که از نخستین عایق‌کاری‌ها و آب‌بندی‌های تاریخ برشمرده می‌شود. اتاق‌هایی در سوی شرقی این خزینه وجود دارد که در یکی از آن‌ها چاهی یافت شده که هدف از آن را یک ذخیره‌گاه برای آب‌رسانی به خزینه دانسته‌اند. افزون بر این سازه، در سوی جنوب غربی آن، یک ساختار معماری دیگر یافت شده که ابتدا از آن به عنوان «حمام هوای داغ» یاد کرده‌اند،

ولی بعدها به انبار غلات، اصلاح شد (Singh, 2008: 149-150). در حمام بزرگ، مردم روی یک «سینی دوش» آجری می ایستادند و آب را از یک کوزه روی خود می ریختند. آب پاک از چاه به دست می آمد و فاضلاب به وسیله یک لوله از راه دیوار به زهکشی خیابان وارد می شد. این لوله های سفالی باستانی، هنوز هم این مسیر فاضلابی را نشان می دهند (Khan, 2021: 11). گفتنی است که حمام بزرگ، قدیمی ترین مخزن آب بشر محسوب می شود (Ibid: 11). هم چنین نمونه هایی از توالت های اصطلاحاً فرنگی از این محوطه به دست آمده است که نشان می دهند پیش از جهان مدیترانه ای، اهالی تمدن دره سند، از چنین تسهیلاتی بهره می بردند (Ibid: 15) (تصویر ۱۰). افزون بر آن، حتی شمار قابل توجهی از خانه های این محوطه، از حمام های خصوصی برخوردار بوده اند (تصویر ۱۱).



تصویر ۹: خزینه حمام بزرگ در موهنجودارو (Khan, 2021: 12, Fig. 12.a)



تصویر ۱۰: شکل توالت در محوطه موهنجودارو (راست) و قیاس آن با توالت های به دست آمده از ماری (میانی) و کاخ مینوس در کرت (چپ) (Antoniou, 2016: 7, Fig. 6; 10, Fig 9; 12, Fig12)



تصویر ۱۱: حمام‌های خانگی در محوطه موهنجودارو (Khan, 2021: 14, Fig. 13)

در محوطه‌های مهرگاره (Mehrgarh) و هاراپا (Harapan/ Harappa)، نشانه‌هایی از وجود یک خزینه بزرگ (در منبع، از واژه استخر استفاده شده است)، سامانه‌زهکشی و فاضلاب (تصویر ۱۲) و تاسیساتی چون حمام‌های خانگی به دست آمده‌اند. این خزینه، ژرفایی نزدیک به ۱٫۸ متر دارد. در خانه‌های محوطه مهرگاره، میان اتاق‌ها، واحدهایی چهارگوش و کوچک وجود داشته است که به صورت ردیف در کنار هم قرار می‌گرفتند. کاوشگران از این نمونه‌ها با عنوان سیستم‌های بهداشتی (حمام و توالی) نام برده‌اند. شبیه به این وضعیت در محوطه «هاراپا» نیز گزارش شده (تصویر ۱۲) و این طور آمده که «کمایش» در هر خانه، یک حمام وجود داشته است. این حمام‌ها معمولاً با آجرهای بریده شده ریز، فرش شده بودند. مسیرهای فاضلاب خانگی نیز از حمام در خانه‌ها آغاز می‌شدند و به هم می‌پیوستند. توالی‌های یافت شده از محوطه‌های بحث شده، نخستین نمونه‌هایی از سرویس بهداشتی برشمرده می‌شوند که دارای سیستم شست‌وشو با آب بوده‌اند (Antoniou, 2016: 2; Khan, 2021: 7-18).



تصویر ۱۲: سیستم‌های ذخیره و انتقال آب در محوطه‌های مهرگاره (راست)، موهنجودارو (میانی) و هاراپا (چپ) (Khan, 2021: 8, Fig. 7)

۲.۴ مصر

با وجود دیرینگی تمدن و فرهنگی مصری، تا کنون آن چه را که بتوان یک حمام و یا جایگاهی مرتبط با اتاق شست‌وشو نامید از عصر فراعنه، به دست نیامده است، بلکه این مساله از روزگار سیطره بطالمه و سپس رومیان به صورت همان ساختار یونانی-رومی در این سرزمین دیده می‌شود (Redon, 2017). اما منطقی‌تر فرهنگ پاک‌سازی بدن (آب سرد یا گرم؟) نزد مصریان باستان وجود داشته است. لوله‌کشی‌های آب در خانه‌های ثروتمندان و نیز وجود توالت‌های چاله‌ای در منازل با مخزنی از جنس سنگ آهک نزد طبقه بالادست و سفال برای فرودستان در مصر، موضوعی اثبات شده است (De Feo, 2014: 3942).

۳.۴ هند و فرهنگ هندیان آریایی

بخشی از سروده‌های مرتبط با فرهنگ هندوئیسم، «گریهیا سوترا» (Grihya Sutras) نام دارد که قدمت آن اندکی پیش از سرایش سروده دیگری به نام «دارما سوترا» (Dharma Sutras) است (Duncker, 1880: IV/195-196). قدمت دارما سوترا مرتبط با هزاره یکم پیش از میلاد و سرایش آن حدوداً میان ۴۵۰ تا ۳۵۰ پیش از میلاد بوده است. در گریهیا سوترا، دستورهای دینی دیده می‌شوند که در سرآغاز آن‌ها، توصیه به انجام استحمام در خانه برای سه بار در روز پیش از پرداختن به هرگونه فریضه و آداب مذهبی آمده است، همچنین

حمام‌خانه و گرمابه در جهان ایرانی ... (سورنا فیروزی و دیگران) ۲۱۳

بهره‌گیری از صابون‌های خوش‌بو و چگونگی ایجاد آب ولرم از آمیختن آب سرد و داغ، در محتوای این دستورنامه دینی وجود دارد (بنگرید به قوانین شست‌وشوی مختلف و با آب گرم و سرد چون سر، جامه، کل پیکر و ... در Oldenberg, 1886: 52, 56, 60, 61 و نیز بنگرید به Knott, 1986) که به روشنی، اگر کهن‌ترین نمونه برشمرده نشود، اما یکی از دیرین‌ترین موارد اشاره به سنت استحمام در سنن آریایی قدیم است.

در دیگر فرهنگ آریاییان هند یعنی بودیسم، وارون سروده یادشده هندی، استفاده از حمام‌خانه‌های عمومی رواج داشته است. البته این حمام‌خانه‌ها در زمینه تعلق، همگانی بودند، ولی در هنگام استفاده، بایستی به صورت انفرادی و از جدا از دیگران، عمل شست‌وشو انجام می‌گرفت. نکته مهم در این‌جا، این است که رواج این سنت استحمام به دفعات از سوی بوداییان، در سده نخست میلادی بوده است (احتمالاً تحت تاثیر فرهنگ هلنی)، زیرا که در روزگار کهن‌تر و مستند به محتوای یک متن بودایی به نام «دارماگوپتاکاوینیا» (Dharmaguptakaavinaya)، پیروان دین مذکور، صرفاً اجازه استحمام برای دوبار در ماه را داشتند، مگر مشمول چند شرط خاص مانند بیماری یا انجام «کار» می‌شدند (Liu, 2011: 55-81; Heirman, 2007: 167-202; Vinaya, 2015). این اشاره منحصر به فرد به انجام کار به عنوان یک شرط خاص و نادر، در راستای جهان‌بینی بودایی به منظور گوشه‌گیری و عدم انجام فعالیت بوده است.

۴.۴ چین

کهن‌ترین سامانه جهت انتقال آب از راه لوله در چین به میانه‌های هزاره دوم پیش از میلاد و دوره سلسله شانگ باز می‌گردد (De Feo, 2014: 3943). اما با وجود اشاره به استحمام - حتی در گرمابه - در متون متاخر و مرتبط با تاریخ اساطیری چین (Schafer, 1956: 66-67) و انتساب پیشینه آن به روزگار سلسله «شانگ» (Shang) در نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد (بنگرید به محتوا و تصاویر دو ارجاع خبری در پی‌نوشت^۱)، این در ادبیات اواخر روزگار سلسله «چو» (Zou) و ربع نخست هزاره اول پیش از میلاد است که اشاراتی به مساله حمام در چین می‌شود. حوضچه‌وان‌های مرتبط با این دوره، فاقد پیروی از یک شکل خاص و ثابت بوده‌اند، به طوری که برخی از آن‌ها، چهارگوش و برخی دیگر، گرد طراحی می‌شدند. سنت‌های استحمام روزگار چو، به میراث دودمان هان رفت (Schafer, 1956: 58, 60) روی

هم رفته، آنچه به صورت مکتوب و قابل ارجاع در منابع منتشر شده موجود است، سخن از رواج بالای حمام‌خانه در چین، هم‌زمان با گسترش بودیسم در سده پنجم میلادی است. در یک کتاب بودایی چینی، به آداب رفتاری در یک حمام‌خانه اشاره شده که از میان آن‌ها، اشاره به مصرف کم آب و شستن حوله پس از استحمام قابل توجه است (برای مطالعه کامل این آداب، بنگرید به Heirman, 2007).

با وجود سابقه اتاق‌های استحمام در کاخ‌های کنوسوس، اما نخستین آثار مرتبط با انتقال آب و نیز حمام‌های یونانی در قرن پنجم پیش از میلاد ظهور کرده‌اند (De Feo, 2014: 3946; Antoniu, 2016: 16; Lucore, 2013: 1). این مساله هم‌زمان با روزگار امپراطوری هخامنشی در تاریخ ایران محسوب می‌شود. دامنه گسترش این نوع حمام‌ها از سده پنجم پیش از میلاد تا سده دوم میلادی بوده است و نمونه‌ها از گستره مدیترانه‌ای فرانسه تا مصر یافت شده‌اند. تاسیسات آبی جهان یونانی پیش از روی کار آمدن رومیان در منطقه، شامل «جیمناسیون» (Gymnasium/ Gymnasia) یا ورزشگاه، «پالایسترای» (Palaistra) یا مدارس کشتی، حوضچه آب سرد جهت شست‌وشو و حمام بخار بوده است. همین مجموعه‌ها بودند که به دوره رومیان، گسترده‌تر شدند (Lucore, 2013: 1) و در نهایت نخستین «حمام‌ها» (Balneae) و «گرمابه‌های رومی» (Thermae) در سده یکم پیش از میلاد و یا به نقلی دیگر اواخر قرن یکم میلادی به وجود آمدند (Fagan, 2001: 404; Britannica, thermae). میان نخستین گرمابه‌های رومی، می‌توان به نمونه‌های ساخته شده به دست «تیتوس» (۸۱-۷۹ م.)، «دومیتین» (۹۶-۸۱ م.)، «ترایانوس» (۱۱۷-۹۸ م.)، «کاراکالا» (۲۱۷-۱۹۸ م.) (تصویر ۱۳) و «دیوکتیانوس» (۳۰۵-۲۸۴ م.) (تصویر ۱۳) اشاره کرد (Britannica, thermae). البته سابقه ساخت آب‌راه‌سازی در جهان رومی، تا اواخر قرن چهارم پیش از میلاد قابل اثبات است (Deming, 2020: 153). لازم به گفتن است که سطح بهداشت و سلامت در گرمابه‌های رومی، چندان بالا نبود و این را می‌توان در مواردی چون گلایه‌های امپراطور «مارکوس اولریوس» (Marcus Aurelius) (۱۸۰-۱۶۱ م.) در خویش‌نوشته‌اش از وضعیت نامناسب و غیر بهداشتی این مکان‌ها (وجود چربی، عرق و کثیفی آب و تیرگی در آن) مشاهده کرد (The Meditation, VIII: 24). میراث گرمابه‌های رومی از جمله گرمابه دیوکتیانوس، همان الگوی که نمونه‌های روم شرقی یا بیزانس شد.



تصویر ۱۳: خزینه بسیار بزرگ گرمابه دیوکتیانوس که در ابعاد عظیمش از طریق قیاس یک انسان مشخص است (بالا چپ)؛ موزائیک‌ها و دیوارهای گول‌آسای گرمابه بسیار بزرگ کاراکالا (بالا راست و پایین)؛ شهر رم ایتالیا (عکس‌ها از نگارندگان)

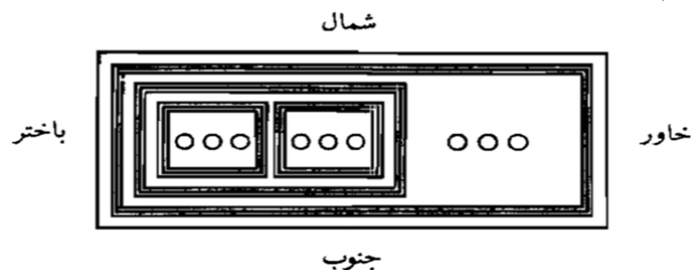
۵. تاریخچه حمام، حمام‌خانه و گرمابه در جهان ایرانی

در اساطیر ایرانی و در اسنادی که از نظر زمانی، نسبت به نمونه‌های باستان‌شناختی مطرح شده در قبل، بسیار متاخر محسوب می‌شوند، ساخت «گرمابه» به جمشید نسبت داده شده است (شاهنامه، پادشاهی جمشید، ۱/ ۳۷-۳۴):

بفرمود پس دیو ناپاک را به آب اندر آمیختن خاک را
 هرانچ از گل آمد چو بشناختند سبک خشک را کالبد ساختند
 به سنگ و به گچ دیو دیوار کرد نخست از برش هندسی کار کرد
 چو گرمابه و کاخ‌های بلند چو ایوان که باشد پناه از گزند

گرچه آغاز مطالعه موضوع حمام، حمام‌خانه و گرمابه از یک سند روزگار اسلامی و مرتبط با قرن دهم میلادی، خواسته این مقاله نیست، اما با توجه به تقدم شخصیت‌های اساطیری در مطالعات ایران‌شناسی نسبت به عصر تاریخی، در این جا نیز این مساله در نظر گرفته شده است. نکته مهم در این روایت اسطوره‌ای، این است که ساخت گرمابه برای ایرانیان، به دیوان (نا ایرانیان؟) نسبت داده شده که قابل توجه است. این مساله در محتوای آثار بلعمی (۱۳۵۳: ۱/۱۳۰)، ثعالبی (۱۳۶۸: ۱۴) و خیام (۱۳۱۲: ۸) نیز دیده می‌شود.

در یک سنت پاک‌سازی مذهبی زرتشتی به نام «برش‌نوم»، در محلی که برش‌نوم‌گاه خوانده می‌شود (تصویر ۱۴)، سخن از ایجاد شیارهایی بر زمین، شستن دست و سر با گمیز یا ادرار گاو و سپس ۷ بار شست‌وشوی کل بدن به ترتیبی خاص در شیارهایی کنده شده و سرانجام، خوشبو ساختن پیکر با مواد معطر به میان آمده است. پس از گذشت سه شب دیگر، شست‌وشوی تن و لباس با گمیز و آب و البته خارج از مراسم قبلی صورت می‌گیرد و این گونه، یک آیین نظافت مذهبی در کیش زرتشتی انجام می‌شود (بنگرید به محتوای فرگرد نهم از وندیداد در اوستا، ۲: ۱۳۷۹/۷۸۱-۷۷۱). البته از روی شواهد بعدی می‌توان به خوبی دریافت که آب مصرفی در این آیین، آب گرم (آب آتش دیده) نبوده است (بنگرید به ادامه مقاله). بسط این مساله، در دینکرد سوم (برای نمونه کرده سوم) به خوبی دیده می‌شود (دینکرد سوم، ۱۳۸۱: ۱۲/۱-۱۱).

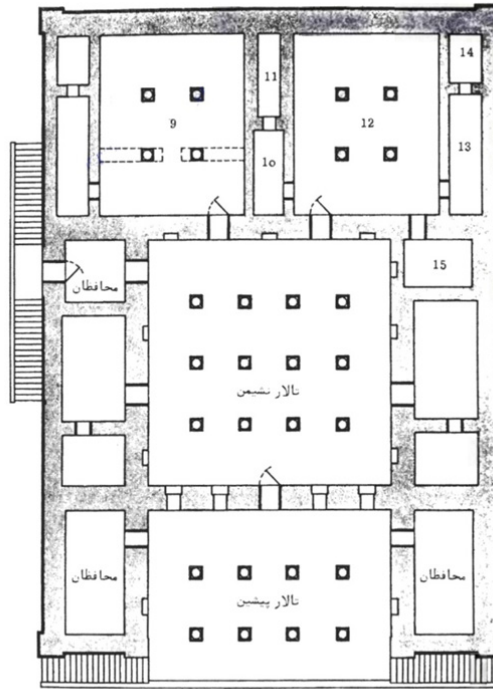


تصویر ۱۴: طرح جایگاه انجام آیین برش‌نوم (اوستا، ۱۳۷۹: ۲/۹۴۷)

۶. حمام در روزگار هخامنشیان و فرهنگ پارسی

در کتاب کوروش‌نامه یا آموزش کوروش (Κύρο παιδεία)، اثر گزنفون که مرتبط با سده پنجم پیش از میلاد است، گزارشی از مساله فرا رسیدن زمان شست‌وشوی کوروش بزرگ (که سخت هم بیمار بود) و نبود توان و حوصله در او برای انجام این عادت خود دیده می‌شود (گزنفون، ۱۳۸۴: ۲۶۷). از سوی دیگر، گزنفون یکی از پیشه‌های جامعه پارسی - پس از روزگار کوروش بزرگ تا زمان خود- را «کارگزاران حمام» ثبت و آنان را هم‌راستا با قشر نانوا، ساقی و دیگر خادمان بزرگ‌زادگان معرفی کرده است (همان: ۲۷۵). این که چنین صنفی در جامعه آن عصر وجود داشته است، نشان می‌دهد که در فرهنگ پارسی روزگار هخامنشی، آداب جا افتاده‌ای برای تن‌شویی رایج بوده است.

اتاق شماره ۱۵ (تصویر ۱۵) از کاخ اختصاصی داریوش یکم در تخت‌جمشید (کاخ تچر) (تصویر ۱۵)، فضایی است که به محل اختصاصی او برای استحمام شهرت یافته است. البته از آنجایی که از این اتاق آبراهه‌ای به دست نیامده است، این احتمال وجود دارد که استحمام داریوش، در یک حوضچه یا وان قابل انتقال صورت می‌گرفته است (هیتس، ۱۳۸۷: ۲۷۵)، همچنین در محیط کاخ، نقوشی وجود دارند که در آن‌ها، حوله و ظرفی شبیه روغن‌دان در دستان خدمتکار (خواجه/ زن؟) دیده می‌شود و این مساله می‌تواند با شست‌وشوی شاه در ارتباط باشد (تصویر ۱۵).





تصویر ۱۵: طرح اشمیت از کاخ تَجْرَ و محل اتاق ۱۵ در آن (بالا، راست) (هیتس، ۱۳۸۷: ۲۷۹)؛ اتاق محصور شماره ۱۵ این کاخ و درگاه ورودی منقوش آن که به حمام داریوش یکم مشهور است (بالا، چپ)، نقوش خدمتکاران کاخ برای استحمام شاه (پایین) (عکس‌ها از علی بهرامی؛ تهیه شده برای مقاله)

پیرو کاوش سال ۱۳۵۲ خورشیدی (برابر با ۱۹۷۳ م.)، علی اکبر تجویدی، باستان‌شناسی ایرانی توانست در بخشی از محوطه برزن جنوبی تخت جمشید، یک حوضچه ساخته شده از مصالح معماری را کشف کند که دارای سکویی برای نشستن و یک چاه و آب‌راهه جهت برون‌بری آب بود (همان: ۲۷۶-۲۷۵). این نمونه با کاربری آشکار برای استحمام، نخستین مستند باستان‌شناختی از حمام در حوزه جهان ایرانی است که تاکنون به دست آمده (تصویر ۱۶) و بر مبنای انتساب آن به دوره خشایارشا یکم (۴۶۵-۴۸۶ پ.م) (همان)، این سازه آبی از نظر زمانی، فاصله چندانی با نخستین نمونه‌های یونانی ندارد.

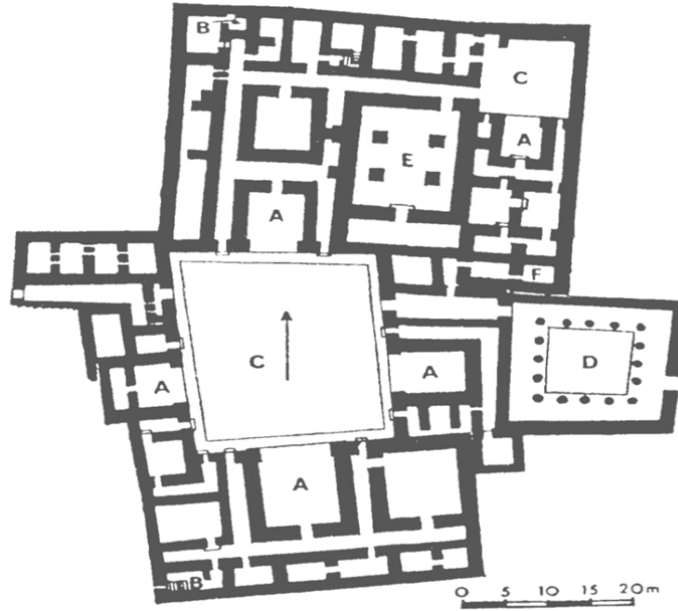


تصویر ۱۶: حوضچه حمام از برزن جنوبی تخت جمشید و منتسب به خشایارشا یکم (سمت چپ)
(هیئتس، ۱۳۸۷: ۲۷۷، تصویر ۲۴)

گزارشی از پلوتارک (سده یکم میلادی) در دست است که درباره وقایع مرتبط با زمان دست‌یابی اسکندر به امکانات خیمه داریوش سوم، این اطلاعات را ارائه داده است (The Parallel lives: XX: 11-13): «(۲۰.۱۱): و مردان خود را در غارت اردوگاه بربرها یافت که [...] بسیار ثروتمند بود. اما چادر داریوش که پر از اثاثیه باشکوه و مقادیری طلا و نقره بود برای خود اسکندر نگه داشتند. (۲۰.۱۲): که بعد از اینکه سلاح‌هایش را کنار گذاشت، رفت تا خود را بشوید و گفت: بیایید اکنون خود را از رنجبرد در حمام داریوش پاک کنیم. یکی از پیروان او پاسخ داد: این طور نیست، بلکه (حمام) اسکندر است، زیرا دارایی تسخیر شده متعلق به فاتح است و باید (به نام او) خوانده شود. (۲۰.۱۳): در اینجا، هنگامی که ظروف حمام، دیگ‌های آب، تابه‌ها و جعبه‌های مرهم را دید، همه از طلا و به طرز عجیبی ساخته شده بودند، و بوهای معطری را استشمام می‌کرد که تمام مکان به طرز بدیعی خوش‌بوساخته بود و از آنجا به داخل می‌رفت. غرفه‌ای با اندازه و بلندی زیاد، که در آن کرسی‌ها و میزها و تدارکات یک سرگرمی سراسر باشکوه بود. (اسکندر) رو به اطرفیانش کرد و گفت: به نظر می‌رسد این حق سلطنت است». توصیف وسایل استحمام داریوش سوم مشابه محتوای آمده در فرگرد نهم (به جز گومیز) است، اما با توجه به سنن زرتشتی، احتمالاً آیین حمام شاه یادشده نیز با آب سرد بوده است.

۷. حمام در روزگار اشکانیان

بی‌چون و چراترین مدارک میدانی از فضاهای استحمام دوره اشکانی، مرتبط با دو اتاق از کاخ اشکانی در شهر آشور هستند. یکی از این حمام‌ها در کنج کاخ و در سمت شمال غربی واقع است و دیگری درست در کنج جنوب غربی آن (تصویر ۱۴). قدمت این سازه به اواخر سده یکم تا اوایل سده دوم میلادی و یک بازسازی متاخرتر می‌رسد (کالج، ۱۳۵۷: ۱۰۸-۱۰۹) و کهن‌ترین مدرک باستان‌شناختی در رابطه با وجود حمام از روزگار اشکانی به شمار می‌آید.



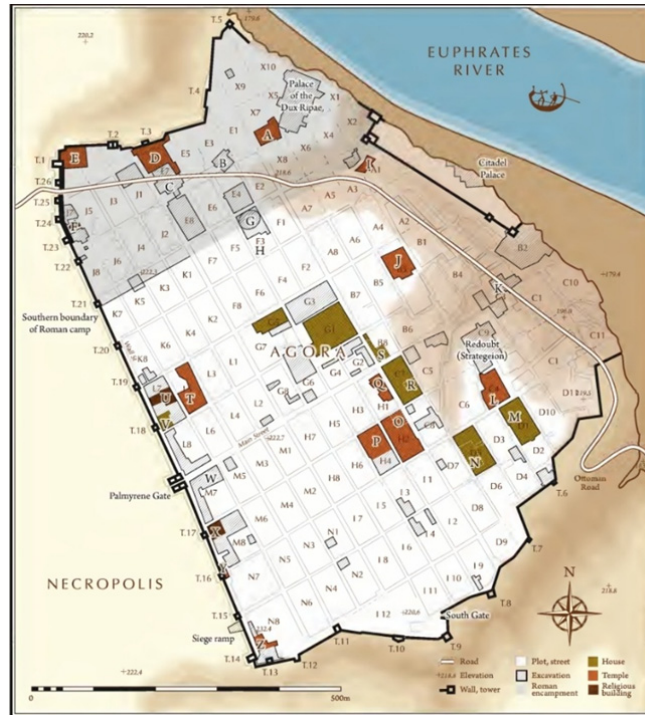
تصویر ۱۴: پلان کاخ پارتی شهر آشور و دو حمام آن که با حرف B مشخص شده‌اند (کالج، ۱۳۵۷: ۱۰۸)

یاقوت حموی درباره شهر هترا (معماری روزگار اشکانی) به این نکته اشاره کرده است که در مقابل دیوارهای این شهر، بر روی هم، شصت برج داشته‌اند و میان هر برج تا برج بعدی، ۹ برج کوچکتر وجود داشته است. در مقابل هر برج، یک قصر/ کاستروم (*qasr/ castrum*) (سازه اعیانی یا اردوگاه نظامی؟) و در کنار هر کدام از این سازه‌ها، یک حمام وجود داشته است (Kaizer, 2006: 153). این که این توصیف از هترا، به عنوان یک شهر نیمه مستقل در روزگار اشکانی بوده است و یا به عنوان یک شهر کاملاً وابسته به قلمرو ایران‌شهر عصر ساسانی دانسته نیست، ولی هر کدام که باشد، برآمده از پیشینه‌ای مرتبط با روزگار سیطره سلوکیان بوده است که موجب شکل‌گیری فرهنگ استحمام در سازه‌های متعدد شهری در این منطقه شده بود.

مجموعه سازه‌هایی در شهر دورا-اروپوس وجود دارد که آن‌ها را در پیوند با روزگار چیرگی رومیان بر آن و پس از فتوحات مارکوس اولریوس می‌دانند (Hoffman, in Brody 2011: 54). این سازه‌ها که متعلق به حدود اواخر سده دوم و اوایل سده سوم میلادی‌اند، از

این قرار هستند: نمایش‌خانه (آمفی تئاتر)، «پرنسیپیا» (*Principia*) یا سازه/سازه‌های بنیادین حکومتی، توالت و شماری حمام (گرمابه) (تصویر ۱۵). در رومی بودن عصر ساخت این موارد تردید چندانی وجود ندارد و در نتیجه متعلق به روزگاری هستند که این شهر دیگر تا پایان عصر اشکانی از دست ایرانیان خارج شده است. نکته مورد نظر، اشاره به وجود حمام‌های دیگری (معروف به حمام‌های F3) در این شهر است که دربردارنده معماری آجری و گنبدهایی است که «فرانک براون» (Frank Brown) قدمت آن‌ها را به روزگار اشکانیان دانسته است و این مساله با توجه به مصالح به کار رفته و نوع معماری، منطقی به نظر می‌رسد؛ هرچند که نظر دیگری بر تعلق آن‌ها به دوره رومیان نیز وجود دارد (Baird, in Brody 2011: 246; Baird, 2020: 4; Koloski-Ostrow, in Brody 2011: 252, 254 & 258). روی هم رفته، در زمانی که شهر دورا-اروپوس، هنوز غربی‌ترین مرز حکومت اشکانی با روم برشمرده می‌شد، این شهر دارای حمام‌هایی (احتمالاً از نوع گرمابه) برای جمعیت خود بوده است.

با توجه به مساله زمان چیرگی فرمانروایی اشکانی بر شهر دورا-اروپوس، دیرینگی این سازه‌های استحمامی، می‌بایست مرتبط با نیمه نخست سده دوم میلادی به عقب باشد. بر مبنای قیاس با نمونه‌های مشابه در قلمروی رومیان، محققان تمامی امکانات مرتبط با حمام و توالت در شهر دورا-اروپوس را مرتبط با دوره‌ای می‌دانند که رومیان بر آن چیره شدند (از سال ۱۶۵ م. به بعد) و ریشه آن نیز علاقه فرهنگ رومی به این تسهیلات و گسترش آن‌ها در منطقه به واسطه رومیان معرفی شده است (Koloski-Ostrow, in Brody 2011: 191 & 254; Deleeuw, in Brody 2011: 254 & 258). این در حالی است که جدا از اقتباس‌های ممکن موارد یادشده از نمونه‌های رومی کهن‌تر از سوی اشکانیان در روزگار چیرگی آنان بر این شهر، به طور کلی بسیاری از مولفه‌های فرهنگی، امکان تبادل را داشته‌اند و در نتیجه، این امکان وجود داشته است که دست‌کم بخشی از این امکانات به ظاهر رومی، با همان الگو اما در زمان استیلای حاکمیت اشکانی بر شهر ساخته شده باشند. این مساله، با توجه به سابقه ساخته شدن حمام اختصاصی در کاخ پارتی آشور، قابل فرض است و بنابراین در این باره، نمی‌توان همانند محققان یادشده، یک‌سویه و به صورت مطلق داوری کرد.



تصویر ۱۵: پلان و موقعیت حمام‌های شهر دورا- اروپوس به صورت رنگی شده (Brody, 2011: 15)

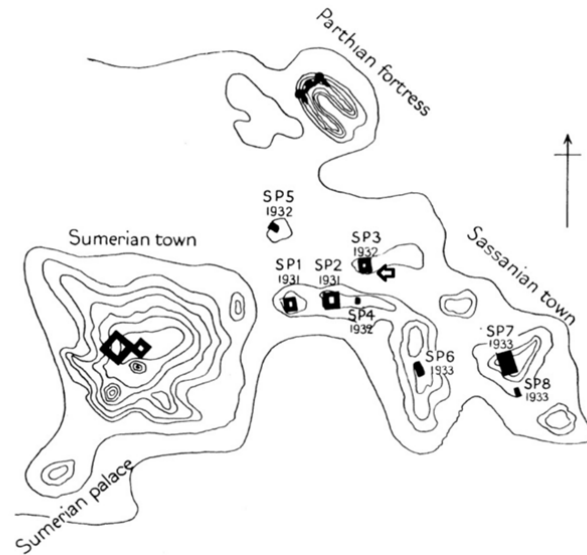
اگر در اینجا مبنای تحلیل را برپایه گاهنگاری اسناد در نظر بگیریم و ملاک را بر زمان واقعه توصیف شده قرار دهیم، یک بار در کتاب کارنامه اردشیر بابکان و بار دیگر در شاهنامه فردوسی چنین آمده است که ساسان (نیای تاریخی و یا پدر اساطیری اردشیر بابکان) در دربار بابک (پدر تاریخی اردشیر بابکان و به روایتی اساطیری نیای مادری او)، به شست‌وشوی خود پرداخت. این اتفاق در گزارش اول با عبارت: «تن به آب زن کن» (کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۳۹: ۴) و در شاهنامه با مصراع: «بدو گفت بابک به گرمابه شو» (شاهنامه، پادشاهی اشکانیان، ۴۵/۳) مورد اشاره قرار گرفته و واضح است که اصطلاحی که فردوسی به کار برده (به گرمابه شدن)، یک به روزسانی از واقعه شست‌وشوی تن با آب سرد و وسیله آب زن در فرهنگ زرتشتی و دربار بابک بوده است. روی هم رفته، این دو گزارش، نگاه خوبی از مساله یادشده در سرزمین پارسیان به روزگار اواخر حکومت اشکانی (اواخر قرن دوم میلادی) ارائه می‌دهد.

۸. حمام و گرمابه در روزگار ساسانیان

اگرچه هم بر مبنای علوم عقلی و هم بر اساس مدارک تاریخی و باستان‌شناختی قابل توجه، ما از وجود فرهنگ شست‌وشو و استحمام در ایران ساسانی آگاه هستیم، اما باید دانست که به علت برقراری قوانین زرتشتی به صورت سفت و سخت در جامعه ایران آن روزگار، مساله نظافت با آب گرم یا آب آتش‌دیده، یک گناه بزرگ و جرم به شمار می‌آمد. چنان‌که در ارداویراف‌نامه، این موضوع به روشنی بیان شده است (ارداویراف‌نامه، ۱۳۱۴: ۲۴۶-۲۴۷) و نشان می‌دهد که در روزگار ساسانی، چه اوایل (زمان ارداویراف) و چه اواخر آن (روزگار نگارش و یا دست‌کم رونویسی دوباره از این کتاب)، ایرانیان و انیرانیان بوده‌اند که در ایرانشهر برای شست‌وشو، به گرمابه می‌شدند (در جایی پنهانی و با آب گرم خود را می‌شستند). این که این ایرانیان، زرتشتیانی بوده‌اند که تن به این قانون نمی‌دادند و یا ایرانیانی از کیشی دیگر، دانسته نیست و کتاب یادشده، صرفاً گناه‌ها را «بدکیش» نامیده است (همان).

دیرینگی سازه‌های محوطه کیش ساسانی (تصویر ۱۶)، با توجه به برخوردارگی اقامتگاه سلطنتی آن از پنج نیم‌تنه منتسب به بهرام پنجم (گور) (۴۳۸-۴۲۰ م.)، احتمالاً دیرینگی این مجموعه به همین دوره و حتی پیش از آن می‌رسد (سکه‌هایی از روزگار شاپور دوم نیز از آن‌ها به دست آمده)، اما از دید نگارندگان این مقاله و بر مبنای وضعیت فرهنگی روزگار خسرو اول (انوشیروان) که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد، انتساب صورت نهایی این سازه‌ها به دوره او نیز ممکن است. البته، ابعاد آجرهایی که در این خانه‌های اشرافی پارسی و دیگر سازه‌های ساسانی این محوطه به کار رفته است (۹ در ۰/۳۶ در ۰/۳۶ سانتی‌متر)، با نمونه‌های به دست آمده از تیسفون در روزگار خسرو انوشیروان (از ۱۲ در ۳۹ در ۳۹ سانتی‌متر تا ۱۲ در ۴۸ در ۴۸ سانتی‌متر) متفاوت است (در گزارش، ارتفاع ۹ سانتی‌متری مرتبط با آجرهای کیش، اشتباهاً ۰/۰۹ سانتی‌متر نوشته شده است). این آجرها از نمونه‌های پادگان اشکانی نیز کوچکتر هستند. در این محوطه، یک استخر شنا که ژرفای آن امروزه در حد نیم متر باقی مانده است که حتی برخوردار از یک سامانه گردش آب و ورودی و خروجی آن بوده است. این استخر و سازه اقامتی مرتبط با آن، احتمالاً محلی برای تفریح اشراف ایرانشهری منطقه برای گریز از گرمای تابستان بوده است (Langdon, 1934: 114-115).

117 (&).



تصویر ۱۶: منطقه خورسنگ کلم (Hursagkalamma) در شهر کیش و محل قرارگیری سکونت‌گاه روزگار سومری، پادگان اشکانی و شهرک عصر ساسانی (محل ویلای دارای استخر، با پیکان نشان داده شده است) (Langdon, 1934: 114, Fig. 2)

یکی از مشهورترین وقایع بهداشتی مرتبط با روزگار ساسانی، تلاش بلاش (۴۸۸-۴۸۴ م.)، جانشین پیروز برای ساختن گرمابه‌هایی در شهرهای ایران‌شهر بود. در این زمینه، الگوی او، همان نمونه‌هایی بودند که در بیزانس یا روم شرقی وجود داشت، اما این مساله با طغیان روحانیان زرتشتی روبه‌رو شد (کریستین سن، ۱۳۶۸: ۴۰۰؛ مهرآبادی، ۱۳۸۰: ۸۶۸-۸۶۷). مشابه همین رخداد، برای جانشین بلاش، کواد یکم (۴۹۶-۴۸۸ م. و ۵۳۱-۴۹۸ م.) نیز روی داد. در سال ۵۰۳ م، شاه پارسی، شهر آمیدا (آمد) را از رومیان بازپس گرفت و در گرمابه آن، استحمام کرد. لذت این کار برای او چنان بود که مشابه بلاش، فرمان داد در شهرهای ایران‌شهر نیز گرمابه‌هایی برپا دارند (کریستین سن، همان). این که این بار چنین چیزی در سلطنت دراز مدت و دور دوم کواد صورت گرفت یا خیر، چیزی نمی‌دانیم، اما با توجه به اقتدار شاه در این نوبت از سلطنت خود، از نظر فرضی، امکانش بوده است، هرچند که مدارک باستان‌شناختی چنین سازهای نظافتی همه‌سودبر، تاکنون از روزگار ساسانی یافت نشده است.

در ادامه، نکته‌ای مهم وجود دارد که پس از ذکر چند مورد از رفتارهای به ظاهر خارج از شریعت فرماندهان پارسی روزگار ساسانی و استحمام آنان در گرمابه‌های شهرهای تصرف شده از رومیان، به آن اشاره می‌شود:

آ) در ماجرای درگیری‌های ساسانیان و رومیان شرقی در شهر پارسی‌بنیاد «دارا» (واقع در استان ماردین ترکیه امروزی) و در روزگار پادشاهی کواذ یکم (تابستان سال ۵۳۰ م.)، پس از آن که درگیری‌های شدیدی میان ایرانیان و رومیان در منطقه رخ داد، پیروز مهرازان فرمانده سپاه پارسی، به طعنه نزد فرمانده رومی، بلیزاریوس نامه فرستاد تا رومیان گرمابه و خوراک را برای آمدن او آماده سازند (جنگ‌های ایران و روم، ۱۳۳۸: ۵۳). گرچه این مساله به علت ناکامی ارتش ایران عملی نشد، ولی درون‌مایه آن، حاکی از عدم مشکل استحمام در آب گرم در ذهنیت یک سردار پارسی بوده است.

ب) در جریان پیروزی‌های ایران ساسانی بر رومیان شرقی (۵۴۰ م.)، خسرو یکم برای نمایش قدرت، در دریای روم (مدیترانه) تن به آب زد (همان: ۱۳۲) که این کار نزد رومیان به مفهوم «استحمام شاه پارسی در دریای رومی» تلقی شد (Zytka, 2013: 53). سپس او با خاک شهر ویران‌شده انطاکیه (در سوریه) و از محل خزانه ایرانشهر، در نزدیکی تیسفون، شهری به نام «وه‌انتیوک خسرو» (به از اندیو خسرو) ساخت که با عناصر و شاخصه‌های شهرهای رومی مزین و تسهیل شده بود که از این قرار بودند: محلی برای بازی‌های همگانی (ورزشگاه)، حمام‌های مختلف (احتمالاً گرمابه‌های همگانی)، میدان‌های بزرگ (احتمالاً برای برگزاری مسابقه‌های ارابه‌رانی و موسیقی که متخصصان آن دو را نیز به شهر جدید آورده بود) (پروکوپوس، ۱۳۳۸: ۱۴۲؛ نیز بنگرید به Kröger, 1993: 3).

ج) در سوی جنوبی تیسفون کهن یا تیسفون اشکانی (محل کاخ سفید یا القصر الابيض) و در فاصله اندکی از شهر نوبنیاد وه‌انتیوک خسرو (Kröger, 1993: 2-3). پیرو دانش‌نامه ایرانیکا (Iranica: Madā en)، به دوران خسرو یکم، همین امکانات، یعنی مراکز بازی و مسابقه توسعه یافته بود (Fiey, 1967a: 401, 417; 1967b: 28; Kühnel, 1933: 12-14) که اگر محتوای این منابع، همان اشاره به صفات شهر رومی‌نشین یادشده نبوده باشد (مختصات جغرافیایی یکی نیست)، این مساله به مفهوم گسترش آن امکانات به سوی این یک محله یا شهرک بوده است. اسبان‌بر، یک محوطه بدون برج و باروی دفاعی بود و در پنج کیلومتری شمال شهر وه‌انتیوک خسرو قرار داشت و همان‌طور که بیان شد، احتمالاً حاصل بسط

امکانات شهر رومی نشین خسرو انوشیروان و توسعه آن‌ها در محله-شهرک سلطنتی بوده و از این رو، جمعیت ایرانشهری این شهرک نیز از امکانات تفریحی شهر مجاور رومی نشین برخوردار شده بودند. نکته جالب برآمده از وضعیت شهرک اسبان‌بر، نمایش یک تطبیق عجیب میان «فرهنگ زرتشتی» - که سده‌ها مخالف برقراری مولفه‌های انیرانی یونانی و رومی بود- و «مظاهر جهان غیر ایرانی یادشده» است که به روزگار خسرو انوشیروان (احتمالاً با سست کردن جایگاه روحانیان) این وضعیت حاصل آمد. از طرفی دیگر، آن نکته که بیان آن را به پس از آوردن ملاحظات بالا ماکول کرده بودیم، مرتبط با همین موضوع می‌باشد. در کتاب دینکرد هشتم، بندهای ۲۶ و ۲۷، برای نخستین بار به نگرش مثبت در قوانین زرتشتی نسبت به گرمابه برخورد می‌کنیم. به این صورت که در بند ۲۶، آمده که برای تن خسته رزمندگان، چه نیک است که گرمابه شدنی فراهم شود تا جسمشان سرشار از آرامش شود. در ادامه و در بند ۲۷، چنین آمده است که چنانچه قصد برپایی یک گرمابه در خانه‌ای شود، می‌بایست اصولی رعایت گردد، به ویژه موقعیت مناسب برای حفظ سپیدی آتشدان (Denkard 8, 1897: 53). گویا مفهوم این قوانین چنین بوده است که هم‌چون شیوه گرمابه‌های رومی و نیز گرمابه‌های ممالک اسلامی در سده‌های بعدی، آب ناپاک (آب چندبار استفاده شده خزینه)، دوباره با آتش گرم نشود تا آن را بیالاید. اگر مقصود این مساله بوده است که از ظواهر قضیه، گزینه دیگری برای جایگزین‌پنداری وجود ندارد، شیوه گرمابه پارسی - زرتشتی شرح داده شده، از بهداشت به مراتب بالاتری از موارد رومی و پس از آن برخوردار بوده است.

از سوی دیگر، این که چنین قانونی، یک نوآوری متاخر در شریعت زرتشتی بوده است و یا این نگرش، از روزگار اولیه این دین و یا دست‌کم از اوایل عصر ساسانی برقرار بوده و برمبنای آن، سردار ساسانی، درخواست گرمابه کرده و پیرو آن، خسرو حمام‌های شهر اسبان‌بر را ساخته بود، می‌تواند خود محل یک بحث تحلیلی جدی باشد. چنانچه فرض دوم را معیار قرار دهیم، آن‌گاه دلیل مخالفت ارداویراف‌نامه گرمابه شدن را می‌توان، تن‌شویی به سبک گرمابه‌های رومی (آب چندبار مصرف شده آتش دیده) دانست. چنان که پیشتر هم دیده شد که مشکل شریعت زرتشتی رایج در روزگار ساسانی با گرمابه‌های رومی، به مفهوم نبود امکانات آبی (چه استحمام و چه برخورداری از استخر شنا) در ایرانشهر نبوده است. هم‌چنین گویا این مساله گناه بودن نظافت با آب گرم، تنها محدود به شستن پیکر بوده است، زیرا برمبنای حکمی در شریعت زرتشتی، شست‌وشوی‌ظرف با آب

گرم، مشکلی نداشته و در نتیجه، بهداشت ظروف کامل صورت می‌گرفته است (دینکرد سوم، ۱۳۸۱: ۶۵/۱).

وجود یک به ظاهر گرمابه در محل اسبان‌بر (همان مورد روزگار خسرو یکم) و در مجموعه مرتبط با کاخ طاق کسری (شرق آن؟) (کرتیس، ۱۳۹۵: ۹۳؛ Upton, 1932: 193؛ نیز بنگرید به Kröger, 1982) که در نزدیکی آن، آب‌راهه‌هایی از جنس خشت پخته بدون لعاب، مجاری‌هایی برای عبور هوای گرم و یک اجاق نیز یافت شد (Upton, 1932: 193). ما را مطمئن‌تر می‌سازد که در فرهنگ زرتشتی - ساسانی و دست‌کم از روزگار انوشیروان و به دنبال آن، در روزگار خسرو دوم یا خسرو پرویز، نوع خاصی از حمام و سپس «گرمابه پارسی - زرتشتی» برای استحمام وجود داشته و احتمالاً همین نوع از حمام بوده که از سوی مسعودی در روزگار اسلامی، برای خسرو دوم اشاره شده است (مسعودی، ۱۳۶۵: ۱/۲۷۳). در چنین حمامی، چه به صورت سلطنتی و اشرافی آن و چه به صورت ساده و در خانه‌های طبقات فروست، پیش از روزگار انوشیروان، از آب سرد استفاده می‌شده است، اما در زمستان، با گرم کردن فضای اتاق (با انتقال هوای گرم در حمام‌های اشرافی و روشن کردن تنور یا اجاق در فاصله‌ای مناسب در محل استحمام طبقه عادی)، از بیمار شدن پیشگیری می‌کرده‌اند. سپس در عصر انوشیروان و با استناد احتمالی به آن تبصره‌ای که بعدها با آن در دینکرد هشتم آشنا می‌شویم، نوعی از گرمابه در ایران ساسانی ایجاد شد که در آن، آب تنها یک‌بار گرم و پس از استفاده خارج می‌شد.

توجه به نکته‌ای در یک متن متأخر پهلوی به نام «روایت امید اشاوهشیستان» که مرتبط با سده چهارم هجری بوده، به درک ما از علت مخالفت شریعت زرتشتی با گرمابه رومی کمک بهتری می‌کند؛ آن‌جا که متن یادشده، از روا بودن بهره‌گیری یک به‌دین از این گرمابه‌ها به اندرز پزشک سخن می‌گوید، اما پس از آن، او می‌بایست با آیین برشنوم، تن خود را از آن آب آلوده به چرک، بشوید. این متن همچنین به وجود گرمابه به شیوه متفاوت نزد پیشینیان به‌دین اشاره کرده است (مزدآپور، ۱۳۷۵: ۲۱۴) که منطبق بر توصیف ما در این مقاله از تحولات روزگار انوشیروان است.

گفتنی است که در دانش‌نامه ایرانیکا، استحمام خسرو پرویز پیش از قتلش را به عنوان یکی از نمونه‌های وجود حمام در روزگار ساسانی دانسته است، این در صورتی است که

این واقعه، یک شست‌وشوی صحرائی و در زندان بوده که این گونه از سوی فردوسی شرح داده است (شاهنامه، پادشاهی شیرویه: ۵/ ۳۶-۳۲):

یکی ریدکی پیش او بد بیای	بر یدک چنین گفت کای رهنمای
بروتشت آب آر و مشک و عیبر	یکی پاک ترجامه دلپذیر
پرسـتنده بشـنید آواز اوی	ندانست کـودک همی رازاوی
ز پیشش بیامد پرستار خرد	یکی تشت زرین بر شاه برد
ابا جامه و آبدستان و آب	همی کرد خسرو به بردن شتاب

۹. نتیجه گیری

دیده شد که وارون نگرش‌های رایج کنونی و علیرغم مشکل شرعی آیین زرتشتی با گرمابه‌های رومی، فرهنگ استحمام، به صورت مستند، میان جمعیت‌های ایرانی تبار زرتشتی و غیر زرتشتی وجود داشته است و فضاهایی برای این مساله از برخی از اماکن به دست آمده است. در این باره، حتی شرع زرتشتی، آداب شست‌وشوی خاصی برای دوزدایی عوامل پنداشتی پلید، ایجاد کرده بود. حتی در جامعه پارسی روزگار حکومت کوروش بزرگ، یک صنف شغلی به نام کارگزاران حمام و استحمام شناخته شده بود. افزون بر آن، حمام با ساختار معماری معیار متناسب به خشایارشا یکم در محوطه برزن جنوبی تخت‌جمشید، فاصله چندانی با حمام‌های جهان یونانی نداشته است. هم‌چنین بیان شد که با وجود رومی پنداشتن بسیاری از تاسیسات بهداشتی شهر دورا-اروپوس، نمونه‌ای مستند از روزگار اشکانی در آن شهر گزارش شده و مواردی نیز از شهرهای هترا و آشور، یا گزارش و یا کاوش شده‌اند. از فرهنگ استحمام در دربار شاه محلی پارس و مرتبط با اواخر عصر اشکانیان نیز شاهدی آورده شد. به روزگار حکومت ساسانی و احتمالاً از دوره شاپور دوم یا پیروز یکم و یا خسرو انوشیروان، یک نمونه منحصر به فرد از استخر اشرافی جهت شنا و در شهر کیش ایجاد شده بود که دارای یک سامانه ورود و خروج آب هم بوده است. در ادامه آورده شد که پیش از روزگار انوشیروان، ایرانی تباران زرتشتی، با آب سرد استحمام می‌کردند و این مساله در فصول سرد سال، از طریق گرم‌سازی فضای استحمام (نزد دربار و احتمالاً طبقه ثروتمند با سیستمی جالب توجه از ورود جریان هوای گرم از جایی دیگر و نزد طبقه عادی با یک تنور یا اجاق عادی در محل) صورت می‌گرفته است. افزون بر آن،

گفته شد که چالش زرتشتیان با گرمابه‌های رومی که صورت ظاهری دینی داشته است، ریشه‌دار در عدم بهداشت این گرمابه‌ها و آلودگی شدید آن‌ها بود که بازتاب آن نزد ذهنیت زرتشتی، با عنوان آلودن آتش با گرم کردن دوباره آب مصرف شده، ثبت شده است. دلیل این ادعا، این است که از روزگار انوشیروان، میان شرع زرتشتی و مساله گرمابه، یک سازگاری پدید آمد و علت آن، راه‌اندازی و ساخت نوع جدیدی از این سازه‌ها بر مبنای دور نگه‌داشتن محل گرمایش آب (آتشدان) از جایگاه شست‌وشو و عدم آتش‌دادن دوباره به آب مصرف شده، بوده است و این دو رکن، احتمالاً اساس ساختار گرمابه‌های شهر «وه‌انتیوک خسرو» و نیز گرمابه کاخ اسبان‌بر (طاق کسری) بوده است. هم‌چنین، وجود توصیه در شرع زرتشتی (دینکرد هشتم) به بهره‌گیری از گرمابه برای رزمندگان به‌دین پس از نبرد و آرام شدن آنان از این راه و نیز برقراری قوانینی برای چگونگی برپا داشتن گرمابه در خانه‌های شخصی، آشکارا نشان می‌دهد که به احتمال بسیار قوی، از روزگار خسرو انوشیروان، جامعه ایرانی‌زرتشتی به سوی رواج گسترده و راه‌اندازی حالت ایرانی این سازه بهداشتی، چه به صورت همگانی و چه خصوصی رهسپار شده بود.

پی‌نوشت

۱. برای مطالعه از اطلاعات مقاله نشده درباره کشف حمام‌های قدیمی‌تر چینی و مرتبط با هزاره دوم پیش از میلاد؛ بنگرید به (رجوع شده در ۲۰۲۱):

<https://www.dailymail.co.uk/tvshowbiz/article-9963921/Shang-Chi-Legend-Ten-Rings-brings-home-90-million-FOUR-DAYS-release.html>;
<https://www.viewofchina.com/ancient-chinese-bath-culture/>

شیوه ارجاع به این مقاله

فیروزی، سورنا، موسوی حاجی، سید رسول، سعادت مهر، محمدامین. (۱۴۰۱). حمام‌خانه و گرمابه در جهان ایرانی؛ از آغاز تا پایان کار ساسانیان. *تحقیقات تاریخی/اجتماعی*, 11(2), doi: 10.30465/shc.2022.39780.2306

کتابنامه

- ابوعلی محمد بن محمد بن بلعمی، (۱۳۵۳). تاریخ بلعمی، تالیف ابو جعفر محمد بن جریر طبری، به تصحیح محمد تقی بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی، ج ۱، چاپ دوم، تهران: زوار.
- ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی نیشابوری، (۱۳۶۸). تاریخ ثعالبی، مشهور به غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم، پیشگفتار و ترجمه محمد فضائلی، همراه با ترجمه مقدمه ژنتبرگ و دیباچه مجتبی مینویی، تهران: نقره.
- اردویرافنامه، (۱۳۱۴). ترجمه رشید یاسمی، در مجله مهر، سال سوم، شماره ۳، مرداد، صص ۲۴۸-۲۴۱.
- اوستا، کهن ترین سرودهای ایرانیان، (۱۳۷۹). ترجمه جلیل دوستخواه، ج ۲، چاپ پنجم، تهران: مروارید.
- اندروی، الهام، محمدحسن طالبیان، مژده رشیدی و سمانه معصومی تبار، (۱۳۹۹). «واکاوی آبراهه‌ها و نظام زهکشی آب در تخت جمشید»، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، د ۲۵، ش ۳، صص ۳۷-۴۹.
- پروکوپوس، (۱۳۳۸). جنگ‌های ایران و روم، ترجمه محمد سعیدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دینکرد سوم، (۱۳۸۱). تدوین کنندگان پیشین: آذرفرغ پسر فرخزاد، آذریاد پسر امید، ترجمه فریدون فضیلت، دفتر یکم، تهران: فرهنگ دهخدا.
- حیدری، وحید، هومان مقدادیان، صادق جهان آبادیان و بابک امین پور (۱۳۹۳). «بررسی عملکردی سازه آبی حصار سوم محوطه باستانی چغازنبیل»، دوفصلنامه هنرهای کاربردی، ش ۴، صص ۱۵-۲۴.
- سیدسجادی، سید منصور، (۱۳۹۵). باستان‌شناسی آسیای میانه، جلد دوم، تهران: سمت.
- طاهری، صدرالدین، (۱۳۹۸). «جایگاه اجتماعی زنان در تمدن باستانی شهر سوخته»، زن در فرهنگ و هنر، ۱۱، ش ۳، صص ۳۹۱-۴۱۱.
- غیاث‌الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیم نیشابوری، (۱۳۱۲). نوروزنامه، رساله‌ای در منشا و تاریخ و آداب جشن نوروز، به سعی و تصحیح مجتبی مینویی، تهران: کاوه.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۵). شاهنامه، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ هفتم، تهران: قطره.
- کارنامه اردشیر بابکان، (۱۳۳۹). مشتمل بر: متن پهلوی، لغت‌نامه، ترجمه فارسی، مقایسه با شاهنامه و حواشی و تعلیقات، به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران: کتابفروشی دانش.
- کالج، مالکوم، (۱۳۵۷). پارتیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: سحر.

حمام‌خانه و گرمابه در جهان ایرانی ... (سورنا فیروزی و دیگران) ۲۳۳

- کرتیس، جان (۱۳۹۵). *بین‌النهرین و ایران در دوران اشکانی و ساسانی وازنش و باززایی در حدود ۲۳۱ ق.م-۶۴۲ میلادی*، ترجمه زهرا باستی، چاپ سوم، تهران: سمت.
- کریستن سن، آرتور امانوئل، (۱۳۶۸). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- گزنفون، (۱۳۸۴). *کوروش‌نامه*، ترجمه رضا مشایخی، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- مزدایور، کتیون، (۱۳۷۵). «گرمابه باستانی ایران»، *فصل‌نامه فرهنگ*، شماره مسلسل ۱۹، صص: ۲۰۷-۲۲۱.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (۱۳۶۵). *مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- مهرآبادی، میترا، (۱۳۸۰). *تاریخ کامل ایران باستان*، تهران: افراسیاب و دنیای کتاب.
- هیئتس، والتر، (۱۳۸۷). *داریوش و ایرانیان*، ترجمه پرویز رجبی، تهران: ماهی.

- Antoniou, Georgios P.; Giovanni De Feo, Franz Fardin, Aldo Tamburrino, Saifullah Khan, Fang Tie, Ieva Reklaityte, Eleni Kanetaki, Xiao Yun Zheng, Larry W. Mays and Andreas N. Angelakis, (2016). "Evolution of Toilets Worldwide through the Millennia", *Sustainability* 8(8),779: pp. 1-55.
- Baird, J. A., (2011). The Houses of Dura-Europos: Archaeology, Archive, and Assemblage, In: *Dura Europos, Crossroads of Antiquity*, Edited by Lisa R. Brody and Gail L. Hoffman, McMullen Museum of Art, Boston College, Chestnut Hill, Mass.
- Baird, J. A., (2020). "The Ruination of Dura-Europos", *Theoretical Roman Archaeology Journal*, 3(1): 2, pp. 1-20.
- Britannica, The Editors of Encyclopaedia. "thermae". *Encyclopedia Britannica*, 30 Mar. 2011, <https://www.britannica.com/technology/thermae>. Accessed 30 December 2021.
- Burke, Joseph, (2017). *The Fluoridated Water Controversy: Unbiased Reference Source & What You Need to Know*, published by Lulu.com.
- Bunson, Margaret, R., (2002). *Encyclopedia of Ancient Egypt*, revise edition, New York: Fact on Files, Inc.
- De Feo, Giovanni; George Antoniou; Hilal Franz Fardin; Fatma El-Gohary; Ieva Reklaityte; David Butler; Stavros Yannopoulos; Xiao Yun Zheng and Andreas N. Angelakis, (2014). "The Historical Development of Sewers Worldwide", *Sustainability*, 6, pp. 3936-3974.
- DHARMASHASTRA, *The Ethics of Suicide Digital Archive*, J. Willard Marriott Library, University of Utah, available at (2021): <https://ethicsofsuicide.lib.utah.edu/selections/dharmasastra/>
- Dharmaguptaka Vinaya, (2015). *Bodhi Foundation for Culture and Education*.

- Fagan, Garrett G., (2001). "The Genesis of the Roman Public Bath: Recent Approaches and Future Directions." *American Journal of Archaeology*, 105(3): 403-426.
- Deleeuw, Patricia, (2011). A Peaceful Pluralism: The Durene Mithraeum, Synagogue, and Christian Building, In: *Dura Europos, Crossroads of Antiquity*, Edited by Lisa R. Brody and Gail L. Hoffman, McMullen Museum of Art, Boston College, Chestnut Hill, Mass.
- Denkard 8, Contents of the Nasks (Ancient Canon of Zoroastrianism), (1897). Digitized and converted to HTML, 1997 Joseph H. Peterson, avesta.org (pp. 1- 112), from *Sacred Books of the East*, translated by Edward W. West, Vol. 37. Oxford University Press.
- Duncker, Max, (1880). *The History of Antiquity*, Vol. 4, Translated from German by Evelyn Abbott, LONDON: RICHARD BENTLEY & SON, NEW BURLINGTON STREET, Publishers in Ordinary to Her Majesty the Queen.
- Fiey, Jean, M., (1967a). "Topographie chrétienne de Mahozé" *L'Orient syrien* 12, pp. 397-420.
- Fiey, Jean, M., (1967b). "Topography of al-Mada'in" *Sumer* 23, pp. 3-38.
- Grayson, Kirk A., (1991). "The Royal Inscription of Mesopotamia, Assyrian Periods / Volume 2, Assyrian Rulers of Early First Millenium BC I (1114- 859), repr 2002, Toronto: University of Toronto Press.
- Heirman, Ann, (2007). Vinaya: from India to China, pp. 167–202, In: *The Spread of Buddhism*, Edited by Ann Heirman and Stephan Peter Bumbacher, *Handbook of Oriental Studies. Section 8 Uralic & Central Asian Studies*, Vol. 16.
- Hilprecht, Herman V., (1904). In the Temple of Bêl at Nippur, A lecture, Philadelphia, reprint from *TRANS. DEP. Of Arch'Y, U. of Philadelphia*, Vol. I.
- Hoffman, Gail, L., (2011). Theory and methodology: study of identities using archaeological evidence from Dura-Europos, In: *Dura Europos, Crossroads of Antiquity*, Edited by Lisa R. Brody and Gail L. Hoffman, McMullen Museum of Art, Boston College, Chestnut Hill, Mass.
- Hoque B. A & A. Briend, (1991). "A comparison of local handwashing agents in Bangladesh". *Journal of Tropical Medicine and Hygiene*, 94: pp.61–64.
- Jumaa Pauline, A., (2005). "Hand hygiene: simple and complex", *International Journal of Infectious Diseases*, 9 (1): pp. 3–14.
- Kaizer, Ted, (2006). "Capital Punishment at Hatra: Gods, Magistrates and Laws in the Roman- Parthian Period", *Iraq*, Vol. 68: pp. 139-153.
- Kenoyer, J. M., (1998). *Ancient Cities of Indus Valley Civilization*, Madison, WI, University of Wisconsin.
- Khan, Saifullah; Nese Yilmaz; Mohammad Valipour and Andreas N. Angelakis, (2021). "Hydro-Technologies of Mehrgarh, Baluchistan and Indus Valley Civilizations, Punjab, Pakistan (ca. 7000–1500 BC)", *Water*, 13(20), 2813: pp. 1-21.
- Knott, Kim, (1986). *Hinduism in Leeds*. Leeds: University of Leeds.

- Koloski-Ostrow, Ana, (2011). Dura-Europos: Water, Baths, Latrines and the Goddess Fortuna in a desert city, in: Dura Europos, Crossroads of Antiquity, Edited by Lisa R. Brody and Gail L. Hoffman, McMullen Museum of Art, Boston College, Chestnut Hill, Mass.
- Kröger, Jens, (1982). Sasanidischer Stuckdecor, Baghdader Forschungen 5, Mainz.
- Kröger, Jens, (1993). "IRANIAN WORLD, CTESIPHON (TISFUN) The Imperial Capital of the Parthian & the Sasanian Dynasties", published in: Historical site of Mirhadi Hoseini, available at (2021): <http://m-hosseini.ir>
- Kühnel Ernst and F. Wachsmuth, (1933). Die Ausgrabungenderzweite Ktesiphon- Expedition (Winter 1931/32), Berlin: Vorläufiger Bericht.
- Langdon, Stephen and D. B. Harden, (1934). "Excavations at Kish and Barghuthiat 1933", Iraq, 1 (2): pp. 113-136.
- Liu, Xinru. (2011). "A Silk Road Legacy: "The Spread of Buddhism and Islam", Journal of World History, 22, (1): pp. 55-81.
- Lucore, sandra k. and Monika Trümper, (2013). Greek baths and bathing culture, New discoveries and approaches, leuven - Paris - Walpole, Ma: Peeters.
- The Meditations of the Emperor Marcus Aurelius Antoninus, (2008). Translated by Francis Hutcheson and James Moor, Indianapolis: Liberty Fund, Inc.
- Oldenberg, Hermann and F. Max Müller, (1886). Sacred Books of the East, Vol. XXIX: The Grihya-sutras: Rules of Vedic Domestic Ceremonies, Oxford: Clarendon Press.
- Plutarch, (1919). The Parallel lives (Lives of the Noble Greeks and Romans), Bernadotte Perri, published in Vol. VII of the Love Classical Library edition Cambridge, MA and London. Available at (2021): https://penelope.uchicago.edu/Thayer/E/Roman/Texts/Plutarch/Lives/Alexander*/3.html
- Redon, Bérange, (2017). Collective Bath in Egypt 2, New Discoveries and Perspectives, Thermae, Institut français d'archéologie orientale, Le Caire.
- Reece, Steve, (2002). "The Homeric Ἀσάμυνθος: Stirring the Waters of the Mycenaean Bath: Mnemosyne: A Journal of Classical Studies, Fourth Series, Vol. 55, Fasc. 6: pp. 703-708.
- Rotter, M., (1999). Washing and hand disinfection. In: Mayhall CG, editor. Hospital epidemiology and infection control, 2nd edition, Philadelphia, PA: Lippincott Williams & Wilkins.
- Sarianidi, Vitor and Gabriele Puschnigg, (2002). "The Fortification and Palace of Northern Gonur", Iran, Vol. 40, pp. 75-87.
- Schaefer, Edward, H., (1956). "The Development of Bathing in Ancient and Medieval China and the History of the Floriate Clear palace", Journal of the American Oriental Society, Vol. 76, No. 2: pp. 58-82.
- Shaw, Joseph W., (2012). "Bathing at the Mycenaean Palace of Tiryns", American Journal of Archaeology, Vol. 116, N0.4, pp. 551-571.
- Singh, Upinder (2008). A history of ancient and early medieval India: from the Stone Age to the 12th century. New Delhi: Pearson Education.

- Upton, Joseph M. (1932). " The Expedition to Ctesiphon, 1931-1932 ", The Metropolitan Museum of Art Bulletin, Vol. 27, No. 8: pp. 185+188-197.
- Wald, Chelsea, (2016). "The secret history of ancient toilets", Nature volume 533, pages456-458.
- Whitby, Michael; Mary-Louise McLaws and Michael W. Ross, (2006). " Why Healthcare Workers Don't Wash Their Hands: A Behavioral Explanation", Infection Control Epidemiology, No. 27: 484- 492.
- WHO Guidelines on Hand Hygiene in Health Care: First Global Patient Safety Challenge Clean Care Is Safer Care, Geneva: World Health Organization; 2009. ISBN-13: 978-92-4-159790-6, available (2021) at: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/books/NBK144013/>
- Zytka, Michal Jakub, (2013). Baths and bathing in late Antiquity. PhD Thesis, Cardiff University.